

قواعد حقوق بین الملل

و

روش تعیین مرزهای رودخانه‌ای

(ترجمه و تحریر)

تحدید حدود کشورها، از جمله مباحث حقوق بین الملل عمومی و گهگاه استثناء اختلافات گوناگون میان دولتهاست، تعیین مرزین دو کشور جزو اختیارات دولتهائی است که همسایه یکدیگرند، این امر علی الاصول مطابق قرارداد منعقد بین دو دولت و با ارجاع لقمیه به دایره‌ی و اجرای رای داوران، حل و فصل میشود.

رودخانه فاصل میان دو کشور از زمره مرزهای طبیعی است. برای تعیین مرز بر پهنه رودخانه‌ها، روشهای گوناگونی را برگزیده‌اند. نوشته حاضر، ترجمه و تحریر مقاله‌ای است که با بررسی طرز عمل دولتها تدوین و در مجله «حقوق بین الملل عمومی» منتشر شده است و دربردارنده سنتز یا تالیف اطلاعات مربوطه نحوه تعیین مرزهای رودخانه‌ای میباشد. علاوه بر این میتوان در چگونگی تنظیم و بیان مطالب بدقت نظر کرد و با روش بررسی عهدنامه‌های بین المللی، دست‌بندی و نتیجه‌گیری از آنها و سرانجام استخراج قواعد در حقوق بین الملل قراردادی، آشنا شد.

از حواشی مقاله، تنها آن قسمت که متضمن توضیحاتی بوده، ترجمه شده است ضبط لائین اسامی رودخانه‌ها در ذیل صفحات، همگی در یک سطر آمده و در متن نیز در کنار همه آنها علامت R نهاده شد است.

مقدمه

خطی که سرزمین دو کشور همسایه را از یکدیگر جدا می‌کند مرز نام دارد. به تعبیر دیگر مرز از پیوند نقاط تلافی فضای دو حاکمیت متفاوت پدید می‌آید در گذشته غالباً مرز برخی از نواحی جهان بصورت منطقه بیش و کم گسترده‌ای بود که در سرحد دو دولت قرار داشت. گهگاه علل امنیتی و بیشتر اوقات وجود نواحی غیر مشکوف و غیر مسکون و یا کم سکنه توجیه کننده این طرز کار بود. اما اکنون مرز یک خط مشخص و دقیق است که در صورت امکان به یاری «اردیناتور» ترسیم میشود و سپس از طریق عملیات تحدید حدود بر روی زمین منتقل میگردد. ممکن است مرز دو کشور تعیین نشود و یا تحدید آن کامل نباشد. راستی را بخواهیم دولتها بر طبق هیچیک از قواعد حقوق بین الملل مجبور به تعیین کامل مرزهای خود نیستند. اما بدیهی است که در درازمدت تنها تحدید حدود، بطور قطعی و کامل و منصفانه، میتواند دولتها را از گیر و دار و اختلاف در زمینه مسائل مرزی مصون دارد.

گفتیم که در زمان ما مرزها، عملاً بدقت تحدید میشوند و بیشتر مرزها نیز بصورت خطی است نه منطقه‌ای، اما این واقعیت مانع از آن نیست که دیگر بار گرایش به تعیین مرزهای منطقه‌ای رو به فزونی گذارد.

نیاز به همکاری میان دولتهای همسایه ، در نواحی مرزی و رشد این نیاز سبب شده است که دکترین جدید نظریه‌ای تازه ، در زمینه مرزهای منطقه‌ای ، تدوین نماید و از چشم‌انداز « حقوق بین الملل همکاری » به این مسأله نظر کند . لکن ما به این بحث نمی‌پردازیم ، زیرا بنایمان در این مقاله بررسی مسائل مربوط به « خط مرزی » است و این بحث در جولانگاه « حقوق بین الملل همزیستی » واقع است ، نه « حقوق بین الملل همکاری » هنگامی که دولتها درصدد تعیین دقیق مرزهای خود برمی‌آیند ، طبیعتاً میبایست برخی از اصول حقوق بین الملل عمومی را رعایت نمایند . این اصول در درجه اول ناظر به مسائل شکلی و بنابراین مربوط به مسائل مورد استفاده است . مسائل مذکور باید مسالمت آمیز باشند زیرا دولتها عموماً مکلف‌اند از توسل به تهدید و یا اعمال قوه قهریه خودداری کنند . این تکلیف که جنبه سلبی دارد همراه با یک وظیفه اساسی دیگر ، یعنی مذاکره مبتنی بر حسن نیت است . سپس باید دید آیا حقوق بین الملل عمومی از دولتهائی که با مسأله تهدید حدود مرزی سر و کار دارند مراعات قواعد مربوط به ماهیت امر را طلب می‌کند و تکالیفی را در خصوص ترسیم خطوط مرزی معین می‌نماید ؟ جواب این سؤال در زمینه تهدید حدود زمینی و دریائی و دریاچه‌ای و رودخانه‌ای با یکدیگر تفاوت دارد .

موضوع این مقاله بررسی مسائل مربوط به تعیین مرزهای طبیعی رودخانه‌ای است . توده متحرک رودخانه‌ها و شکل عریض و طویل آنها ، از جمله عناصر تفکیک میان دو سرزمین مجاورند . از یک طرف رودخانه‌هایی وجود دارند که متوالیاً از سرزمین دو یا چند دولت عبور می‌کنند و از سوی دیگر رودخانه‌هایی هستند که متصل به سرزمینهای دو دولت‌اند و بدین ترتیب دو قلمرو را از یکدیگر جدا می‌نمایند . واقع را بخواهیم تنها در مورد اخیر میتوان از مرزهای حقیقی رودخانه‌ای یا رودخانه‌های مرزی سخن گفت . ما نیز به بررسی خط مرزی بر روی رودخانه‌های بین المللی ، متصل به سرزمین دو دولت ، می‌پردازیم . در بخش اول مسائل عمومی تهدید حدود رودخانه‌ها و نیز راه‌حلهائی را مطالعه می‌کنیم که دولتها در عمل بدان رسیده‌اند و در بخش دوم از مسائل خاص مربوط به تهدید حدود رودخانه‌ها سخن می‌گوئیم . در خاتمه نیز حاصل این تحقیقات و نتایج مستفاد از آنها را مطرح می‌سازیم .

۱ - « دولتها مکلف‌اند از توسل به تهدید یا استعمال قوه قهریه در جهت نادیده گرفتن مرزهای بین المللی دولت دیگر و یا بعنوان وسیله حل و فصل اختلافات بین المللی ، از جمله اختلافات ارضی و مسائل مربوط به مرزها بپرهیزند » قطعنامه ۲۶۲۵ (۲۵) مجمع عمومی ملل متحد ، ۴ نوامبر ۱۹۷۰ .

بخش اول

مسائل عمومی تحدید حدود رودخانه‌ها

۱- مرزهایی که در دو ساحل رودخانه فاصل سرزمین دو دولت قرار دارند

در قرون وسطی مرز عبارت از دو خط در دو طرف رودخانه بود و منطقه‌ای را که همان رودخانه باشد، در بر میگرفت. وضعیت حقوقی این منطقه نیز متغیر بود. بدین معنی که گاه رودخانه به عنوان یک فضای بیطرف و گاه بعنوان ملک مشترک تلقی می‌شد. نظر به اینکه غالباً این منطقه را منطقه‌ای بیطرف تلقی می‌کردند، شهریاران به منظور ابقاء عهدنامه‌ها عادتاً در جزایر موجود در رودخانه، با یکدیگر ملاقات می‌نمودند.

حقوقدانان قرون وسطی آبهای این قبیل رودخانه‌ها را ملک مشترک میدانستند. از آغاز قرن چهاردهم، علمای حقوق (دکترین) این فکر را عرضه کردند که آب رودخانه‌های واقع در مرز دو شهر نیز ملک مشاعند.

عهدنامه «کلهو» * مورخ ۱/۷ اکتبر ۱۹۱۸ میان پروس و هلند این وضعیت حقوقی را تثبیت کرد. به موجب ماده ۳ این عهدنامه، در صورت نبودن مقررات مغایر، انهار، خندن‌ها و کانالهای تشکیل دهنده مرز، ملک مشترک طرفین تلقی میشوند. همین قاعده به قسمت «موز» * که لوکزامبورگ را از کنت نشین «ناسور» * جدا می‌کند و نیز به قسمت «موزل» یعنی حد فاصل میان لوکزامبورگ و آلمان اعمال میشود.

۲- مرز در یکی از دو ساحل (حد ساحلی)

در مواردی چند دولتها، قلمرو خود را که در مجاورت رودخانه قرار دارد با حد ساحلی تحدید کرده‌اند. در نتیجه یکی از سواحل رودخانه مرز دو کشور است و فقط یکی از دو دولت بر تمامی رودخانه حق حاکمیت دارد، و دیگری بدان دسترسی ندارد.

این سیستم در عهدنامه صلح و مودت «اوترشت» * (۱۱/۱ آوریل ۱۷۱۳) میان فرانسه و پرتغال، در خصوص «آمازون»، اعمال گردید. با اینهمه در تفسیری که سال ۱۹۰۰ از مقررات عهدنامه بعمل آمد، این مطلب به خط تقسیم آبها معنی شد. به موجب عهدنامه ورشو (مورخ ۱۸/ سپتامبر ۱۷۷۳) میان لهستان و پروس، رودخانه «نتز» * به پادشاه پروس واگذار گردید همین سیستم در مورد «دوب» و «فورون» * و نیز رودخانه

* Clèves Meuse - Namur - Moselle - Utrecht - Netze - Foron

۲- ماده ۱ عهدنامه مقرر میدارد:

«مالکیت، قلمرو و حاکمیت دو ساحل رود آمازون، هم آمازون جنوبی و هم آمازون شمالی، تماماً متعلق به پادشاه پرتغال است» نگاه کنید به:

Parry, Cliv (ed) The consolidated treaty series vol 28, 1713-1714. p. 175.

ونسان پنسون* (میان گویان فرانسه و گویان پرتغال) بکار رفت . « آدیژ » و « بو » و نیز « سال » که آبهایش در حاکمیت پروس قرار گرفت ، مثالهای تاریخی دیگر این نوع از تحدید حدود به شمار میروند .

به موجب عهدنامه « آندریتوپل »* (مورخ ۱۴ / سپتامبر ۱۸۲۹) میان روسیه و ترکیه ، آبهای دانوب در اختیار روسیه قرار گرفت ، و در ضمن ساحل راست رودخانه ، (جانب ترکیه) هم « میبایست به فاصله دو ساعت از رودخانه غیرمسکونی باقی بماند » . مثال تاریخی دیگر مربوط به رودخانه « اسپرشییوس »* است که اکنون بطور کامل در یونان قرار دارد . لکن به هنگام استقلال یونان ، مرز بین دولت جدید یونان و امپراطوری عثمانی را تشکیل میداد^۴ . همین سیستم (حد ساحلی) برای رودخانه های « سان جوان »* ، میان کوستاریکا و نیکاراگوا^۵ و سواحل « اودنگ »* و « ترینگ »* بر روی جزیره « برودو »* و نیز برای « ریوتینتو »* و « ریو مونتگوا »* یعنی مرز میان گواتمالا و هندوراس^۶ ، پذیرفته شد . در خصوص رودخانه « آمور » نیز چین و روسیه با یکدیگر اختلاف پیدا کرده اند . روسها مدعی اند که به موجب عهدنامه پکن مورخ ۱۸۶۰ ، این رودخانه بطور قطع تحدید شده است و حد ساحلی رودخانه در جانب چین ، مرز دو دولت را تشکیل میدهد ، اما به اعتقاد چینی ها مرز باید منطبق بر خط « تالوگ » رودخانه باشد .

۳ - خط وسط رودخانه یا خط منصف (وسط المیاه)

حدودی که تا اینجا بررسی شد ، تدریجاً جای خود را به دو راه حل یا دو نوع حد در مرز

* - Vincent - Pinson - Saale - Andrinople - Sperchios - San Juan - Odong - Tring - Berudo - Rio Tinto - Rio Montagua

۳ - ماده ۸ عهدنامه صلح (. ۱ / اوت ۱۷۹۷) میان فرانسه و پرتغال مقرر میدارد :

مالکیت و حاکمیت مصبها و نیز تمامی مسیر رودخانه مذکور « متعلق به جمهوری فرانسه خواهد بود » .
Parry. vol 50, 1794-1799 p. 145.

۴ - مصالحه نامه میان فرانسه و بریتانیا و روسیه و ترکیه در خصوص تحدید حدود قطعی سرهای

قاره ای یونان ، ۲۱ ژوئیه ۱۸۳۲ : نگاه کنید به : Parry. vol 82. pp. 481 - 482

۵ - عهدنامه تحدید حدود . اول آوریل ۱۸۵۸ ، که به موجب آن تمامی رودخانه در جانب

نیکاراگوئه باقی مانده است نگاه کنید به . Parry. vol 118. pp. 440-443.

۶ - قرارداد ۲۶ مارس ۱۹۲۸ میان انگلیس و هلند مربوط به تعیین مرزی بین سرزمین تحت الحمایه

انگلیس و اراضی هلند در جزیره بورنئو - نگاه کنید به :

Martens. Nouveau Recueil General de traités. 39^e serie, vol 23, p. 282

۷ - عهدنامه داوری ۱۶ ژوئیه میان گواتمالا و هندوراس به منظور پایان بخشیدن به اختلاف

مربوط به خط مرزی بین دو دولت نگاه کنید به : Martens. 3^e serie - vol 31, pp. 365 ets.

دیگر داده است، که یکی خط وسط رودخانه «دیگری خط» تالوگ « THALWEG است. بدین بیان که وقتی با استفاده از فنون، رودخانه‌ها به تدریج مورد بهره‌برداریهای گوناگون، از جمله کشتی‌رانی، قرار گرفتند، دولت‌های کناره رودخانه‌ها مدعی شدند که باید بطور مساوی حق دسترسی به رودخانه را داشته باشند.

بنظر متخصصان حقوق بین الملل مانند «واتل» رودخانه‌های مرزی باید به حکم قاعده انصاف بوسیله خطی که در وسط آن ترسیم میشود، میان دو دولت همسایه تقسیم گردد. در عهد ما «بوگ» و «جون» جغرافی د نهایی وزارت خارجه آمریکا این خط را خطی دانسته‌اند که کلیه نقاط متساوی‌البعد نزدیک ترین نقاط دو ساحل رودخانه را بیکدیگر وصل می‌کند. اما این تعریف جغرافیائی در عهدنامه‌های مربوط به تحدید مرزهای رودخانه‌ای که به این روش اشاره می‌نماید، ذکر نشده است، در واقع اسناد مذکور، تنها تعبیر خط وسط یا خط منصف را به کار برده و از تصریح بیشتر صرفنظر کرده‌اند. در موارد زیر خط منصف پیش‌بینی شده است:

آبهای مرزی میان ساردنی (ساووی کنونی) و کانتون ژنو (به استثنای فورون) - رود قابل کشتیرانی « بیداسوا »* میان فرانسه و اسپانیا - رودخانه « دورو »* « و « تاژ » میان اسپانیا و پرتغال - بخشی از نیجر و نیز شعبه « مکرو »* میان بنین (داهومی سابق) و نیجر^۸. در تعداد زیادی از رودهای کوچک افریقا نیز همین خط بعنوان مرز اختیار شده است: قرارداد فرانسه و آلمان برای تعیین مرز میان کنگوی فرانسه و کامرون - که در برلین بتاريخ ۱۸ / آوریل ۱۹۰۸ امضاء شده - مقرر داشته است در قسمت هائی از مسیر رودخانه که نمی‌توان از تالوگ بعنوان مرز استفاده کرد، مرز، خط منصف خواهد بود. همین شرط، در عهدنامه انگلیس و بلژیک (سورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۳۴) در خصوص مرز میان تانزانی و رواندا، در طول رود « کاژرا »، آمده است. یادآور میشویم که در این رودخانه تنها قسمتی از مرزها به صورت « تالوگ » و یا به صورت خط منصف است و قسمت دیگر مرز یک خط مستقیم است که علامتهای سنگی قابل رؤیت نصب شده بر روی سواحل یا جزایر « کاژرا » و یا نقاط برجسته زمین را به هم وصل می‌کند. (ماده ۳) در برخی از معابر آبی میان افریقای استوائی فرانسه (چاد کنونی) و سودان نیز، علیرغم وجود تالوگ، خط میانه یا منصف بعنوان مرز تعیین شده است.^۹

۸ Bidassoa - Douro - Mékrou

۹ - موافقت نامه ۱۹ / اکتبر ۱۹۰۶ بین انگلیس و فرانسه در خصوص مرز میان متصرفات بریتانیا و فرانسه در خلیج گینه تانیر. نگاه کنید به: Martens 3^e serie, vol 1, pp50 et s.

۱۰ - خصوصاً: رودهای وادی کاجا (Vadi KaJa) و « وادی آسونگا » (Vadi asunga) که به موجب پروتکل تحدید حدود کمیسیون تحدید حدود (سورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴)، در مقام اجرای اعلامیه پاریس (۸ سپتامبر ۱۹۱۹) میان فرانسه و انگلیس، حدودشان معین شده است.

در رودهای « مارونی » میان گویان فرانسه و سورینام ، و « تاناآلو » میان نروژ و فنلاند و در معابر آبی میان لیتوانی و روسیه و بین لتونی و روسیه (که امروز معابر آبی داخلی به شمار میروند) ، مرز منطبق با خط منصف است .

در معابر آبی میان لهستان و آلمان و بین چکوسلواکی و آلمان و رود « تیزا » میان رومانی و چکوسلواکی و رود « رپوفریو » میان گواتمالا و هندوراس و در قسمتی از رودخانه اوروگوئه که جزایر را مشروب می کند ، خط منصف پیش بینی شده است .

در امریکای شمالی مسائل مربوط به دریاچه های بزرگ و شبکه دریاچه ای و رودخانه ای حداقل میان امریکا و کانادا به موجب عهدنامه پاریس (مورخ ۳ / سپتامبر ۱۷۸۳) منعقد بین امریکا و انگلیس حل و فصل شد . عهدنامه مذکور مرز کانادا و امریکا را منطبق با خط منصف رودخانه ها و دریاچه ها - از رودخانه سن لوران تا دریاچه جنگلها - دانست ، اما به هنگام ترسیم خط دقیق و تحدید حدود مرزها ، وجود جزائر متعدد و معابر میان تخته سنگهای دریاچه ها و رودخانه های مورد بحث ، مسائل و مشکلات متعددی را پیش آورد به موجب عهدنامه « گان » (مورخ ۲۴ / سپتامبر ۱۸۱۴) دو دولت تصمیم گرفتند که امر تعیین مرزهای دریائی خود را به دو کمیسیون مختلط محول نمایند . وظیفه یکی از این دو کمیسیون تحدید حدود میان سن لوران و دریاچه « سوپریور » و کار کمیسیون دیگر تعیین حدود از قسمت شرقی دریاچه هورون تا دریاچه جنگلها بود . کمیسیون اول یک خط منصف تقریبی را بعنوان مرز تعیین کرد ، به گونه ای که از تقسیم جزایر به دو قسمت پرهیز شود ولی در کمیسیون دوم کمیسر انگلیسی و کمیسر امریکائی بهیچوجه به توافق نرسیدند . کمیسر انگلیسی عهدنامه ۱۷۸۳ را لفظاً به لفظ تفسیر میکرد و اصرار داشت که حدود منطبق بر خط منصفی باشد که مبدأ آن سواحل دریاچه ها و رودخانه هاست اما کمیسر امریکائی میخواست که مرز از « تالوگ » بگذرد . به نظری اگر مرز منطبق بر خط منصف میشد در بعضی از مناطق ، اتا زونی از وصول به معبر قابل کشتیرانی محروم می ماند و چون در این منطقه هنوز تضمینی برای آزادی کشتیرانی وجود نداشت ، این نتیجه موجب نگرانی بود . نظریه اینکه طرفین نتوانستند در کمیسیون به توافق برسند ، مسأله لاینحل ماند ، تا آنکه به سال ۱۸۴۲ ، دو دولت عهدنامه « ویستر - آشبورتون »* را منعقد ساختند . به موجب این عهدنامه در قسمت غربی ، خط منصف به عنوان مرز معین شد و در عین حال آزادی کشتیرانی هم پیش بینی گردید ، در قسمت شرقی نیز میانه معبر قابل کشتیرانی ، یعنی تالوگ بعنوان مرز تعیین گردید .

این جزو بحثها ، اختلاف میان منصف و « تالوگ » را روشن ساخت و مبنای طرز عمل داخلی امریکای شمالی و تحدید حدود رودخانه های موجود میان دولت های قدرال آن گردید .

* Weaster-Ashburton

در موارد عدیده دیوانعالی آمریکا در صورت عدم تعیین عنوان خاص برای مرزدر رودخانه‌های غیرقابل کشتیرانی، تالوگ را، به منزله مرز تلقی کرده است.

۴ - تالوگ

خط منصف، مرزی است که اساس تعیین آن عدالتی « ابتدائی » است، یعنی این خط آبهای سطح رودخانه را به دو قسمت تقسیم می‌کند. اما در اکثر قریب به اتفاق رودخانه‌ها، معبری با عمق بیشتر وجود دارد که مطمئن‌ترین و آماده‌ترین راه برای کشتیرانی است و کشتیبانان در مواقع عبور از رودخانه همین معبر را در پیش می‌گیرند. اما این معبر عموماً با خط منصف، متناظر نیست. و غالباً به یکی از دو ساحل بیش از دیگری نزدیک است. بنابراین اگر مرز منطبق بر خط منصف باشد، این معبر تحت حاکمیت یکی از دو دولت قرار خواهد گرفت و دولت دیگر از کشتیرانی، که بهره برداری عمده رودخانه است، محروم خواهد شد.^۱ هم‌عنان با کسب اهمیت کشتیرانی، عیب و اشکال خط منصف آشکارتر شد و خط مذکور جای خود را به تالوگ داد. « تالوگ » کلمه‌ای آلمانی و به معنی « معبر دره » است و در اصل و اساس خطی بوده که عمیق‌ترین نقاط دره را به هم می‌پیوسته است.

الف - تعریف اول

راهی که کشتیبانان به هنگام عبور از رودخانه در پیش می‌گیرند

در تعریف اول فقط این مطلب ذکر میشود که تالوگ همان راهی است که کشتیبانان به هنگام عبور از رودخانه در پیش می‌گیرند. این تعریف مبهم است چون راهی که بدان اشارت میشود همواره معین نیست. و انگهی همه کشتیبانها یک راه را در پیش نمی‌گیرند، بعلاوه در رودخانه‌ها این معبر عریض است. در واقع تعریف مذکور گزارشگر یک مرز منطقه‌ای است. در این تعریف عهدنامه‌هایی هم که صریحاً به کلمات « تالوگ » و یا « معبر قابل کشتیرانی » اشارتی ندارند شریکند از جمله:

عهدنامه وستفالی (مورخ ۱۶۴۸) و عهدنامه « مونستر » * میان فرانسه و متحدان وی از یکسو و شهریاران آلمان از سوی دیگر، که در آن شاخه عمده راین را، که « تالوگ » خوانده شده است، سرحد حاکمیت طرفین دانسته‌اند.

در عهدنامه « لونه ویل » * (مورخ ۹/فوریه ۱۸۰۱) بین آلمان و فرانسه و عهدنامه صلح پاریس (مورخ ۲۰/نوامبر ۱۸۱۵)، همچنین عهدنامه ۱۷/سپتامبر ۱۸۰۸، میان

۱ - علت وجودی تالوگ به عنوان مرز، به روشنی در عمل و اسباب حکم دیوانعالی اتا زونی در قضیه نیوجرسی، علیه دلاوار (۱۹۳۴) ظهور دارد. نگاه کنید به:

Deah, Francis (éd), American International Law Cases, vol. 4, Control of Resources 1971, Oceana Publications, Dobbs Ferry, New York, p. 134.

گراوند دوشه « باد » و کانتون « آرگوی »* ، در مورد قسمت رودخانه ای مرز سوئیس و آلمان (که با تعبیر « تالوگ راین » تعریف شده .) تعبیر تالوگ بدون توضیح اضافی ذکر شده است . همچنین در مقررات مربوط به « آدیژ » که در عهدنامه لونه ویل آمده است و نیز در عهدنامه ۱۹ مارس ۱۸۱۰ ، میان اطریش و روسیه در خصوص « ذنی یستر »* و در سند تعیین حدود ۸ نوامبر ۱۸۱۰ میان روسیه و سوئد (ناظر به سه رود « تورنه آ »* و « موئونو »* و « کونکاما »* تعبیر « تالوگ » بدون تصریح دیگری آمده است . همین تعبیر در قرارداد ۱۴ مه ۱۹۱۱ میان پادشاه پروس و پادشاه وستفالی وجود دارد و به موجب آن مرز بر روی رودخانه « الب » با تعبیر « تالوگ » ، « یعنی مسیر عمده و اصلی الب » تعریف شده و بدنبال آن این جمله جالب توجه اضافه شده است :

« چون مسیری که معمولاً کشتیها در الب برمی گزینند ، برحسب وضعیت آب و کم و زیاد شدن ارتفاع آن تغییر می کند ، در فصلی که ارتفاع آب پائین است یک کمیسیون به تحدید « تالوگ » خواهد پرداخت ، « تالوگ » یاد شده حدود مرزی بین دو دولت را معین خواهد نمود » (ماده ۲) مواد ۴ و ۱۴ سند نهائی کنگره وین (مورخ ۹ ژوئن ۱۹۱۵) تالوگ را بعنوان مرز در رودخانه ویستول - بین گالیسی و شهرآزاد کراکوی - و بر روی پو ، در مجاورت دولت های پارم و پلزانس و گواستالا* مطرح کرده اند .

قرارداد تعیین مرز میان بلژیک و هلند که در ۱۸/ اوت ۱۸۴۳ در « ماستریخت »* امضاء شده است ، حد مرزی بر روی رودخانه « موز » را براساس تالوگ رودخانه معین کرده است .

به موجب قرارداد آندریئوپل (مورخ ۱۴/ سپتامبر ۱۸۲۹) میان روسیه و ترکیه ، طرفین مرزهای خود را بر روی قسمتی از دانوب براساس تالوگ این رودخانه معین کرده اند . از جمله عهدنامه های مربوط به رودخانه های امریکای لاتین ، عهدنامه لیما ، میان کولومبیا و پرو (مورخ ۲۴ مارس ۱۹۲۲) است که به موجب آن دو حکومت تصمیم گرفته اند ، خط مرزی خود را براساس تالوگ رود « پوتوماپو »* تا ملتقای رود « یاگوا »* و از آنجا براساس تالوگ رودخانه آمازون تعیین نمایند . در همین خطه (امریکای جنوبی) « تالوگ » بدون تصریح دیگر بعنوان مرز برزیل و گویان فرانسه ، بر روی رودخانه « اویاپوک »* و مرز میان اوروگوئه و برزیل ، بر روی « یاگوآرون »* آمده است . در آسیا مرز بر روی مکونگ* ، برحسب تالوگ - که تعریف هم نشده - تعیین گردیده است . ماده ۳ قرارداد ناظر بر روابط میان هند و چین فرانسه و سیام (که در بانکوک به تاریخ ۲۵/ اوت ۱۹۲۶ ، امضاء شده است) مقرر میدارد :

*Argovie - Deniester - Tornea - Muonio - Könkama-Guastalla - Maestricht -
Putumayo - Yaguas - Oyapock - Yaguaron - Mékong

۱ - در قسمتهائی از مسیر مکنونیک که بواسطه جزائر موجود به شاخه‌های متعدد تقسیم نشده است، تالوگ رودخانه مرز میان سیام و هند و چین را تشکیل می‌دهد.

در افریقا نیز کلمه «تالوگ» را، بدون تعریف، ضمن شرائط سندرچ در قراردادهای مناطقی تحت استعمار می‌بینیم. این موارد غالباً رودهای غیرقابل کشتیرانی میباشند. در قرارداد لیسبون (۲۵ مه ۱۸۹۱) و اعلامیه ۲۴ مارس ۱۸۹۴، میان پرتغال و بلژیک، حدود «کوانگو»، «کاسائی» و رودهای دیگری که شعب رودخانه کنگو هستند، و مابین «زئیر» و «آنگولا» جریان دارند، براساس تالوگ تحدید شده‌اند. به موجب توافق فرانسه و بلژیک (مورخ ۱۴/اوت ۱۸۲۴) مرز بر روی رودهای «اویانگی» و «امبومو»* یعنی شعبه‌های غیر قابل کشتیرانی کنگو - براساس تالوگ معین شده و زئیر و دولت افریقای مرکزی را از هم جدا نموده است.

ب - تعریف دوم

خط منصف معبر قابل کشتیرانی رودخانه

به موجب تعریف دوم، «تالوگ» خطی است که معبر قابل کشتیرانی رودخانه را به دو بخش تقسیم می‌کند و در نتیجه برخلاف مرز منطقه‌ای مذکور در تعریف اول، یک مرز خطی واقعی تعیین میشود. تعریف جدید، در ماده ۳ پیش نویس مقررات بین‌المللی کشتیرانی رودخانه‌ای ذکر شده و مؤسسه حقوق بین‌الملل در ۱۸۸۷ آن را پذیرفته است. به موجب این تعریف: «در جائی که رودخانه دولتها را از یکدیگر جدا می‌کند، مشخص مرز، «تالوگ» یعنی خط منصف معبر است. در مورد رودخانه‌های اروپا، این تعریف در عهدنامه‌های صلح پایان بخش جنگ اول جهانی (ماده ۳ عهدنامه ورسای ۱۹۱۹ و عهدنامه‌های سن ژرمن، نویی و سور) و نیز در عهدنامه لوزان (مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۲۳) بین قوای متحد از یکسو و ترکیه از سوی دیگر (ماده ۶) عنوان شده است، بیان مشترک این عهدنامه‌ها چنین است «کلمات «مسیر» یا «معبر» که به منظور تعیین مرز در این عهدنامه به کار رفته است، در رودخانه‌های غیرقابل کشتیرانی به معنی خط منصف مسیر آب، یا شاخه اصلی آن و در رودخانه‌های قابل کشتیرانی، خط منصف معبر اصلی کشتیرانی است.»

عهدنامه ۲۹ ژانویه ۱۹۲۸ میان آلمان و لیتوانی مرز روی «ژرارد - اوست»، «روس» و «سهل» را خط منصف معبر کشتیرانی دانسته است. همین تعریف در عهدنامه ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۵ میان آلمان و چکوسلواکی در مورد آبهای مرزی بخش‌های «ساکسون» و «باواروای» «الب» و در پروتکل نهائی تحدید حدود میان لهستان و رومانی (مورخ ۱۷/

مه ۱۹۳۵) مربوط به رودهای کناره این دو دولت دیده میشود. نیز همین تعریف برای تثبیت حدود رودخانه‌های «اریوگراندا» و «کلورادو» در عهدنامه آمریکا و مکزیک (۱۲ نوامبر ۱۸۸۴) انتخاب شده است. بموجب این عهدنامه خط تحدید کننده حدود در وسط معبر عادی رودخانه‌های مذکور قرار میگیرد. همین تعریف در عهدنامه تعیین حدود میان آرژانتین و پاراگوئه (سورخ ۳/ فوریه ۱۸۷۵) به منظور تعیین مرز رودخانه‌های «پارانا» و «پاراگوئه» که شعبه‌های «ریودولاپلاتا»* هستند ذکر شده است. برای رودخانه‌های افریقا نیز این تعریف در قرارداد بروکسل (سورخ ۲۵/ مه ۱۸۹۱) میان پرتغال و دولت مستقل کنگو آمده است. به موجب ماده ۳ آن، در رودخانه کنگو، مرز منطبق بر خط میانی معبر کشتیرانی است که عموماً کشتیهای با آب نشین بزرگ در امتداد آن راه می‌سپارند.

ج - تعریف سوم

خط عمیق ترین نقاط رودخانه

تعریف سوم «تالوگ» را «محور تالوگ» یا «خط القعر» میداند، یعنی خطی که عمیق ترین نقاط منطقه تالوگ را به هم می‌پیوندد.^{۱۱} این تعریف در عهدنامه مورخ ۱۸۴۰ فرانسه و «باد» که ناظر به رودخانه «راین» است دیده میشود. در ماده ۲ عهدنامه آمده است که: محور تالوگ خطی است که بلا انقطاع عمیق ترین نقاط رودخانه را همراهی می‌نماید.

همین مفهوم در مبادله یادداشت‌های اول ژوئن ۱۹۳۴ بین بریتانی و سیام در مورد رودخانه «پاکشان» آمده است. در مبادله یادداشت بین برزیل و انگلستان (در خصوص گویان انگلیس) هم که تکمیل کننده موافقتنامه مربوط به تعیین اراضی ساحلی مرز میان برزیل و گویان انگلیس است (۲۷/ اکتبر - اول نوامبر ۱۹۳۲) همین تعریف ذکر شده است. تعریف مذکور در عهدنامه مربوط به تحدید حدود رودخانه اوروگوئه هم آمده است این عهدنامه برای قسمتی از رودخانه «تالوگ» را ذکر کرده و آنرا محور معبر اصلی کشتیرانی دانسته و برای تعیین مرز قسمتی دیگر از رودخانه روشی بدیع در پیش گرفته است. در این رودخانه برخی از نقاط معبر قابل کشتیرانی دارای دو گذرگاه «فیلومنا» و «مدیو» است که هر دو قابل کشتیرانی اند. در نتیجه و مرز، تا ملتقای مجدد این دو معبر، بر روی دو خط که هر یک منطبق با محور یکی از معابر است امتداد مییابد. یکی از این خطوط محدوده حق حاکمیت طرفین را معین می‌کند و دیگری وضع تخصیص جزائر فراوان این قسمت از رودخانه را تعیین می‌نماید. این دو خط بار دیگر در ملتقای مجدد دو

۱۱ - گلدتیش Gleditsck تعریفی از تالوگ بشرح زیر عرضه می‌کند که منبع آن را بدست نمیدهد: «تالوگ» خطی است که آخرین باریکه آب‌بهایی که بدون انقطاع در تمامی بستر خود جاری هستند، بر اساس آن خط روان می‌باشد، با این فرض که میزان آب هر قدر از دو طرف این خط به تدریج به آن نزدیک میشود، است بیشتری می‌کند، تا آنجا که تمام میشود.»

معبر، در یک خط جمع میشوند و بنابراین مرز واحدی را تشکیل میدهند که منطبق با محور معبر اصلی کشتیرانی است.

تعریف سوم تالوگ، در عهدنامه‌های مربوط به نواحی تحت استعمار، که به تحدید حدود رودخانه‌های افریقا پرداخته است، دیده میشود.

موافقتنامه «لوزو - بریتانیک» * (۱۸۳۸) برای تعیین مرز بر روی رودخانه «روویا» (که در حال حاضر بین تانزانی و مالاوی است) محور تالوگ را انتخاب کرده است. موافقتنامه میان بلژیک و انگلیس (مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۳۴) نیز برای تعیین مرز میان تانزانی و «رواندا» در رودخانه «کاژرا» از همین تعریف پیروی می‌نماید.

ه - خطوط دیگر تحدید حدود بر روی رودخانه

گاهگاه دولتها مرزهای رودخانه‌ای خود را با خطوطی غیر از آنچه تا کنون بدانها اشارت کرده‌ایم معین می‌سازند. این خطوط را خطوط «اختیاری» می‌نامند، چون مطابق ضوابط جغرافیائی یا هندسی یاد شده، ترسیم نمیشوند، دلائل این طرز کار متعدد است از جمله: وجود جزائر، جریانهای آب و سرآشیبیهای تند در رودخانه و نیز معابر متعدد. در نتیجه دولتها از ریشه‌های قالبی دست برمیدارند و اوضاع و احوال خاص رودخانه را مدنظر قرار میدهند.

ممکن است توجه به جزائر موجود در یک رودخانه سبب شود که دولتها حدود مقبول و فی‌المثل «تالوگ» را، تغییر دهند. در عهدنامه‌ای که حدود رودخانه «اوروگوئه» را تعیین کرده است، قضیه از همین قرار است. در این مورد برای آن بخشی که پوشیده از جزائر متعدد است و در ضمن معبر قابل کشتیرانی به دو شاخه تقسیم میشود، مرز را بر اساس دو خط تعیین کرده‌اند. در امریکای شمالی سیستم خطوط «اختیاری» به منظور تغییر قسمتی از مرز، خصوصاً در رودخانه سن لوران - میان امریکا و کانادا - مورد قبول گرفته است. عهدنامه ویستر-آشورتون (مورخ ۱۸۳۴)، مرز را بر مبنای تالوگ رودخانه تعیین کرده بود، اما بعداً این مرز توسط کمیسیون تعیین مرزها تغییر کرد و بصورت رشته‌ای از خطوط مستقیم درآمد.

در اروپا همین سیستم به سال ۱۹۴۷، توسط نروژ و شوروی برای خلیج رودخانه «ژاکوبسلو» * واقع در اقیانوس شمال، از نقطه‌ای که پس از آن خط تالوگ وجود ندارد به کار رفته است. در افریقا نیز مثالهایی از اینگونه داریم. قبلاً دیدیم که در یک قسمت از رودخانه «کاژرا» - میان تانزانی و رواندا - مرز عبارت از یک رشته خط مستقیم است.

* Luso - Britanique-Jakobselv

۶ - خط تقسیم آبها

خط تقسیم آبها ، یک مرز طبیعی است و منطبق برخطی است که از دو سوی آن جریانهای آب به حرکت در میآیند و حوضه های هیدروگرافیک مجزا را تشکیل میدهد . به عبارت دیگر مقصود خطی است که دو دامنه یا دوشیب را از هم مجزا می کند و درآنها آبها از یکدیگر جدا میشوند . این خط که نباید با خط الرأس کوهها مشتبه شود ، در واقع سرحد آبی به معنی اخص نیست و بنابراین نمیتواند بر روی دریاچه یا رودخانه ترسیم گردد (۱۲) یادآوری این مطلب از آنروست که خط مذکور برای تفکیک دو حوضه هیدروگرافیک به کار می رود و با این تعبیر ، جزئی از مرزهای رودخانه ای به معنی موسع کلمه است .

در اعلامیه ای که قرارداد ۱۴ ژوئن انگلیس و فرانسه را کامل می کند ، به اینگونه مرز برمیخوریم . این قرارداد (مورخ ۲۱ مارس ۱۸۹۸) مربوط به مناطق نفوذ دو کشور میباشد . اعلامیه مقرر میدارد که مرز میان منطقه نفوذ انگلیس و فرانسه منطبق با خط تقسیم آبهای (Watershed) نیل و کنگو و شاخه های آن دو است . در امریکای لاتین خط تقسیم آبها به منظور تحدید سرزمینهای پرو و کولومبیا بکار رفته است . به موجب عهدنامه بوگوتا (مورخ ۲۴ مه ۱۹۰۸) رودخانه « پوتومايو » * به کولومبیا و رودخانه « نیو » به پرو اختصاص یافت ۱۳ . اما این عهدنامه هرگز به امضاء نرسید و سرانجام به موجب قرارداد ۱۹۲۲ مرز دو کشور بر اساس تالوگ رودخانه « پوتومايو » تعیین گردید .

به موجب عهدنامه « اوترشت » مورخ ۱۱ / آوریل ۱۷۱۳ که قبلا ذکر شد ، مرز میان متصرفات فرانسویها و پرتغال در امریکای لاتین بایستی از ساحل آمازون بگذرد پس از آنکه برزیل جانشین حقوق پرتغال شد در باره مرز میان گویان فرانسه و برزیل اختلاف شد و مسأله برای داوری به شورای فدرال سوئیس ارجاع گردید . این شوری در اول دسامبر ۱۹۰۰ رأی خود را صادر کرد و به موجب آن مقررات عهدنامه « اوترشت » به معنی تالوگ آبها گرفته شد .

ارزیابی

طرز عمل قراردادی دولتها در مورد تحدید حدود رودخانه ای نشان میدهد که وجود

۱۲ - در این معنی مراجعه شود به رأی دادگاه فدرال سوئیس ، شعبه حقوق عمومی در قضیه کانتون « واله » علیه کانتون « تهسن » (۱۹۰۸) به این بیان :

« خط تقسیم آبها ، یک مرز طبیعی را تشکیل می دهد . در نتیجه محتوای حقوقی مفهوم خط تقسیم آبها مانع آن است که این خط از میان دریاچه و یا رودخانه بگذرد » مندرج در « طرز عمل سوئیس

در موضوعات حقوق بین الملل » : L.Caffisch, ASDI vol.37-1981, P.235 .

۱۳ - این دورود از شعب آمازون هستند .

* Putumayo

چند نوع مرز رودخانه‌ای امکان پذیر است .
 دو نوع اول این مرزها که عبارتند از : دو خط مرزی که از دو ساحل رودخانه میگذرد ،
 و مرزی که در یکی از دو ساحل رودخانه قرار میگیرد ، مرزهایی هستند که در این عهد
 پیش و کم متروک شده‌اند . با اینهمه هنوز هم بر اساس عهدنامه‌های قدیمی تحدید حدود ،
 مرزهایی وجود دارند که در یکی از سواحل واقعند و بعضی از آنها مورد اعتراض دولت یا
 دولتهائی است که در ساحل دیگر رودخانه قرار دارند و از دسترسی به رودخانه محروم
 مانده‌اند ، این حدود غیر منصفانه خوانده شده و موجب بروز اختلافات شدید ارضی گردیده
 است .

نوع دیگر مرزها ، خط وسط المیاء است . حد مذکور در عهدنامه‌های فراوانی که در
 قرن نوزدهم و اوائل قرون بیستم تنظیم شده ، منظور گردیده است . در پی وسعتی که امر
 کشتیرانی رودخانه‌ای یافت ، متدرجاً این خط ، در بخشهای قابل کشتیرانی رودخانه ، جای
 خود را به تالوگ داد . بسیاری از قراردادهای ابتدای قرن حاضر خط وسط المیاء را مرز در تمامی
 رودخانه و یا قسمتهای غیر قابل کشتیرانی آن میدانند ، حال آنکه در تمامی رودخانه‌ها و یا
 قسمتهائی که قابل کشتیرانی است حد تالوگ را برگزیده‌اند . این مطلب سبب شده است که
 مؤلفان حقوق بین الملل بگویند در قضیه تحدید حدود رودخانه‌ای یک قاعده عرفی حکومت
 دارد . ما بدین مطلب باز خواهیم گشت .

با اینهمه در قراردادهای تحدید حدود ، تالوگ بصورت یکسان تعریف نشده است .
 کلمه مذکور گاه تعیین کننده تمامی منطقه‌ای است که معبر قابل کشتیرانی را تشکیل
 میدهند و گاه مبین خطی است که عمیق ترین نقاط معبر قابل کشتیرانی را به هم می پیوندند .
 تعریف اول مرز منطقه‌ای را معین می کند و کلمه سواردی را هم در بر میگیرد که در آنها کلمه
 تالوگ تعریف نشده است . اما این مفهوم در عصر ما قدیمی و متروک شده است . خط وسط المیاء
 معبر قابل کشتیرانی نیز همانند خط وسط المیاء رودخانه ، اما به سبزی کمتر ، مضر و خطرناک
 است ، زیرا در معبر قابل کشتیرانی خصوصاً اگر دارای وسعتی قابل توجه باشد ، ممکن است
 عمق بعضی نقاط بیشتر بوده و لزوماً با خط وسط المیاء منطبق نباشد در این حالت ساحل نشینانی
 که به محل عمیق تر - و در نتیجه مساعدتر برای کشتیرانی معبر دسترسی دارند ، در
 مقایسه با همسایه مقابل خود ، در حالت ممتاز نسبی قرار میگیرند ، شاید اگر تالوگ را به خط
 عمیق ترین نقاط معبر ، یا خط القعر تعریف کنیم ، مسأله حل شود . تعریف سوم ، مسلماً
 دقیق تر و منصفانه تر است ، زیرا در خصوص معبری که جهت کشتیرانی مساعدتر است برای
 ساحل نشینان حقوق مساوی قائل میشود .

هنگامیکه در مقررات قراردادی تالوگ تعریف نمیشود ، باید دید مقصود از این کلمه
 چیست و چه مفهومی را باید دریافت ؟ در واقع باید به تفسیر پرداخت و در عین توجه به

محتوای قرارداد به طرز عملی نظر کرد که در مقام اجرای عهدنامه طرفین قرارداد مطابق آن (به معنی ماده ۳۳۱ ، ب قرارداد وین درباره حقوق عهدنامه ها) رفتار کرده اند اکنون باید به بحث درباره مسائل خاص تحدید حدود رودخانه ای پرداخت .

بخش دوم

مسائل خاص تحدید حدود رودخانه ای

۱ - مصب

چگونگی ریختن رودخانه به دریا به گونه ای است که گهگاه موجب بروز مشکلاتی در تحدید حدود میشود . در واقع از یک نقطه به بعد ، آب شیرین با آب شور در هم می آمیزد و غالباً وجود تالوگ منتهی میشود . بعضی اوقات نیز رودخانه به هنگام ریختن به دریا نظیر نیل یا گنگ دلتائی را به وجود می آورد . در اینجا دو مثال از تحدید حدود رودخانه ای را مطرح می کنیم که در مورد آنها مسأله مصب بین دولتها عنوان و حل شده است .

۱ - رودخانه « سه گوویا » * یا « کوکو » * در کناره هندوراس و نیکاراگوئه جاری است به موجب عهدنامه ۷/ اکتبر ۱۸۹۴ دو دولت به منظور تحدید حدود ، کمیسیون را تعیین کردند اما این کمیسیون موفق به تعیین مرز نگردید . سپس دو دولت حل اختلاف خود را به پادشاه اسپانیا واگذار کردند ، وی در داوری خود (مورخ ۲۳ / دسامبر ۱۹۰۹) مرز را به طریق زیر تعیین کرد :

در شعبه اصلی مصب رودخانه « سه گوویا » و در بالا دست رودخانه تا ملتقائی که به نام « پوته کا » * (یا بودگا) * است ، مرز بایستی بدون انقطاع براساس واگوآدا* (یا تالوگ) باشد . اما دو دولت نتوانستند برای اجرای این حکمیت به توافق برسند ، زیرا محتوای آن ظاهراً برای نیکاراگوئه مساعد نبود . در ۱۹/ مارس ۱۹۱۲ وزیر امور خارجه نیکاراگوئه اعتبار و جنبه الزامی این رأی را مورد اعتراض قرارداد و پس از مذاکرات نافرجام دیگر ، بالاخره هندوراس در اول ژوئیه ۱۹۰۸ عرض حال مقدماتی خود را به دیوان بین المللی دادگستری تسلیم کرد . هندوراس از دیوان درخواست نمود ، در نظر قضائی خود نیکاراگوئه را سبب تسلیم به اجرای رأی داوری بنماید . نیکاراگوئه نیز از دیوان درخواست کرد که اعلام نماید تصمیم آلفونس سیزدهم خصوصیت رأی داوری الزامی را ندارد و با این عنوان قابل اجراء نیست ، خصوصاً از آن جهت که این رأی واجد خلاء و تناقض و ابهام است . استدلال نیکاراگوئه

* Segovia - Coco - Poteca - Bodega - Waguada

آن بود که نمی‌توان مصب یک رودخانه را به عنوان حد بین دو دولت تعیین کرد، زیرا علاوه بر اشکالات دیگر برای کشتیرانی هم دشواریهای عمده‌ای پدید می‌آورد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود استدلال نیکاراکوئه را مورد توجه قرار نداد. به موجب این رأی، داوری قبلی روشن و به معنای آن بوده است که حتی در مصب رودخانه «مه‌گویا» نیز مرز بایستی براساس تالوگ تعیین شود. بنابراین تحدید حدود در آن محل نبایستی موجب ایراد باشد. در نتیجه دیوان حق را به هندوراس داد و اعلام کرد که رأی داوری قبلی قابل اجراست.

۲ - مورد دوم قضیه رودخانه «ریودولاپلاتا» است، که از پیوستن «پارانا» و «اوروگوئه» تشکیل میشود. «ریودولاپلاتا» که آرژانتین را از اوروگوئه جدا می‌کند رودخانه‌ای کوتاه با مصبی گسترده (با دهانه ۱۳۶ میل) است.

دو کشور در این زمینه دارای یک اختلاف طولانی ارضی مربوط به حق حاکمیت بر «ریودولاپلاتا» بودند. آرژانتین معتقد بود که بر تمامی رودخانه، به استثنای حاشیه‌ای به عرض سه میل دریائی که وصل به ساحل اوروگوئه است حاکمیت دارد و اساس ادعای خود را بر این واقعیت قرار میدهد که پیش از استقلال اوروگوئه، کشور مزبور یکی از استانهای آرژانتین بوده و بنا بر این دولت آرژانتین تنها کشور ساحلی «ریودولاپلاتا» محسوب میشده و بدین اعتبار به نحو مستمر حق حاکمیت خود را بر تمامی رودخانه اعمال کرده است.

اوروگوئه در پاسخ این ادعا می‌گفت که از زمان وصول به استقلال، همانطور که آرژانتین دارای حق حاکمیت بر یک قسمت از رودخانه و مصب آن است، وی نیز بعنوان دولت ساحلی «ریودولاپلاتا» بر آن حق حاکمیت دارد. در ۱۹۷۳، دو دولت اختلاف خود را به موجب عهدنامه مربوط به این رودخانه و جبهه دریائی آن حل نمودند. عهدنامه به شرح زیر به تحدید حدود رودخانه می‌پردازد.

در ماده اول «ریودولاپلاتا» تعریف میشود و با ارجاع به نقاطی که بر روی زمین معین میشود تحدید میگردد، سپس به هر یک از دو دولت ساحلی منطقه‌ای اعطا میشود که در پهنه آن، بطور انحصاری حقوق خود را اعمال نمایند. این منطقه در قسمت خارجی مصب، که بسوی دریا میرود و گسترده میشود هفت میل و در قسمت داخلی که متوجه سرزمین دو دولت است و باریک میگردد دو میل است. برای آنکه منطقه مورد بحث شامل شیبه‌های تند معایر آبهای مشترک (که موقعیتشان در عهدنامه تصریح شده است) نشود و معایر وصول به بندرها در برنگیرد، حدود مناطق به اندازه لزوم انعطاف پذیرفته‌اند (ماده ۳) به موجب عهدنامه، باقیمانده آبهای «ریودولاپلاتا» به هیچیک از دو طرف اختصاص ندارد، بلکه یک رشته ضابطه در عهدنامه هست که در صورت تعارض حاصل از اعمال حقوق طرفین بر آنها، به موقع اجراء گذاشته میشوند. در هر حال آبهای «ریودولاپلاتا» قسمتی از دریا

تلقی نمیشود ، و بنابراین منحصراً تحت حاکمیت دو دولتی است که در ساحل آن قرار دارند . آنچه گفته شد مربوط به تقسیم آبهای رودخانه مذکور است . در عین حال عهدنامه ۱۹۷۳ برای زمین و زیرزمین نیز حدودی را که با حدود آبها تفاوت دارد معین می کند . مقصود خطی است که نقاط معین مذکور در عهدنامه و نقشه های ضمیمه را به هم متصل میسازد . به نظر « گروس - اسپیل » * خط مزبور در « پلاتای » علیا و وسطی بر روی تالوک و در پلاتای سفلی (از طرف دریا) منطبق بر خط وسطالمیاه است . به موجب این تحدید حدود سهم زمین و زیرزمین برای اوروگوئه « ۱۵/۰۵۳ » کیلومتر و برای آرژانتین « ۱۴/۸۷۹ » کیلومتر مربع است .

۴ - تغییرات حاصل در مسیر رودخانه و جابجائی بستر آن

تحدید حدود بواسطه تغییراتی که در مسیر رودخانه و در نتیجه جابجائی بستر آن رخ میدهد مسائل عمده ای دارد . بسیاری از مؤلفان متخصص در کار تحدید حدود رودخانه ای با توجه به این مشکلات ، اصل استفاده از رودخانه را به عنوان مرز، محل بحث و تردید قرار داده اند .

مسائل مربوط به این دگرگونی ها دو نوعند .

الف - در مسیر آب جابجائی های تدریجی ، ناشی از پدیده های فیزیکی رسوب و فرسایش رودخانه پیش می آید .

ب - رودخانه ناگهان بستر خود را ترک می کند و بستر جدیدی را در پیش میگیرد (پدیده از جاکنده شدن) .

جابجائی تدریجی حاصل در مسیر آب رودخانه ، عموماً پدیده ای دو جانبه است ، یعنی در یکی از دو ساحل رسوباتی پدید می آید و در ساحل دیگر فرسایش حاصل میشود . در اینجا دکتترین حقوق بین الملل و رویه قضائی قبول کرده اند که مرز با رودخانه جابجا میشود . اما هنگامی که رودخانه ناگهان بستر خود را ترک می کند ، مساله فرق می نماید . اگر مرز همراه رودخانه پیش و پس شود ، یکی از دو دولت قسمتی از سرزمین خود را از دست خواهد داد ، از این رو « گروسیوس » میان تغییر شکل تدریجی و ناگهانی فرق گذاشته است و معتقد است که در صورت تغییر شکل ناگهانی رودخانه ، مرز نایستی همراه با تغییر بستر رودخانه حرکت کند .

اکنون باید دید طرز عمل دولتها چگونه است . نخست طرز عملی را بررسی می کنیم که مربوط به تغییر تدریجی مسیر رودخانه است .

بیشتر دیدیم که به موجب قرارداد ۱۴ مه ۱۹۱۱ ، میان پادشاه پروس و پادشاه

* Gros - Espielle

وستفالی ، مرز میان دو کشور براساس تالوگ « الب » تعیین شده بود . همین قرارداد حاوی مقررات مربوط به تغییر احتمالی مسیر الب بود ، به موجب قرارداد: با وجود تغییراتی که ممکن است در تالوگ و حتی در مسیر رودخانه رخ دهد ، مرز بصورتی که روی نقشه ترسیم شده است ، باقی خواهد ماند . به استثنای حالتی که تغییرات حاصل در مسیر رودخانه چنان باشد که در قسمتی از « الب » ، که فعلاً هر یک از دو طرف دارای ساحل هستند ، هر دو ساحل تحت حاکمیت یکی از دو دولت درآید ، که در این فرض برای این بخش تعیین جدید جدیدی به عمل خواهد آمد ، و برای تعیین حقوق ارضی و حاکمیت دو دولت تالوگ جدیدی بعنوان مرز تعیین خواهد گردید . عهدنامه ۲۸/ آوریل ۱۹۲۴ بین فنلاند و نروژ نیز راه حل مشابهی را در خصوص جریان آب تشکیل دهنده مرز میان این دو دولت پیش بینی کرده است البته این طرز عمل با نظرات دکترین متناظر نیست . عهدنامه‌های دیگر مساله را به گونه‌ای دیگر حل و فصل کرده‌اند و معتقدند که مرز تالوگ را همراهی می‌کند و با آن جایجا میشود^{۱۴} .

جایجائی تالوگ و در نتیجه مرز ، ما را با عدم ثبات دائمی مرز مواجه میسازد . از این رو در برخی از عهدنامه‌ها ، سیستم کنترل ادواری وضعیت رودخانه و تالوگ آن عنوان شده است وقتی بدنبال پدیده‌های ناگهانی رودخانه جایجا میشود ، مسائل پیچیده‌تری مطرح میگردد در این حالت ، اگر مرز در محل سابق خود باقی بماند ، دیگر رودخانه مرز بین دو دولت نخواهد بود و در نتیجه یکی از دو همسایه به آن بخش از رودخانه که بجایجا شده است ، دسترسی نخواهد داشت و بنابراین منافع وی ، خصوصاً منافع کشتیرانی اش به شدت لطمه خواهد دید . اما اگر مرز ، بستر جدید رودخانه را همراهی کند ، یکی از دو دولت قسمتی از سرزمین خود را از دست خواهد داد . در قضیه کامیزال* که مورد اختلاف امریکا و مکزیک بوده این سنخ از مسائل صریحاً مطرح گردید .

اختلاف مزبور ناظر به رودخانه « ریوگراندا » بود . به موجب عهدنامه « گوادولوپ-هیدالگو » (مورخ ۱۸۴۷) و قرارداد ۱۹۵۳ میلان امریکا و مکزیک ، تالوگ بعنوان مرز بین دو دولت تعیین شده بود . نظر به اینکه « ریوگراندا » رودخانه‌ای ناآرام و متحرک شناخته شده است ، دو همسایه در ۱۸۸۴ عهدنامه جدیدی در باره مرزهای « ریوگراندا » و « ریوکلورادو » منعقد ساختند . این عهدنامه به تنظیم مسائلی پرداخت که ناظر به تغییرات مسیر این رودخانه و متضمن این بود که علی‌رغم هر گونه تغییر بعدی ، مرز تالوگ همراه با رودخانه « ریوگراندا » حرکت خواهد کرد ، به شرط آنکه تغییر مذکور طبیعی و تدریجی (رسوب و فرسایش) باشد ، نه ترک ناگهانی بستر کمونی رودخانه و ایجاد بستر جدید (از

۱۴ - نگاه کنید به عهدنامه میان ترکیه و شوروی (۸ ژانویه ۱۹۲۷) و عهدنامه اول ژوئن ۱۹۳۴ بین انگلیس و اسپانیا که مرز مربوط به رودخانه « پاکشان » را تعیین کرده است .

جاکنده شدن) بین سالهای ۱۸۵۲ و ۱۹۰۷ «ریوگراندا» به طرف جنوب جایجا شد و میان بستر قدیم و جدید رودخانه ، زمینی - به نام کامیزال - بوجود آمد . پس از مذاکرات بی سرانجام در خصوص تعلق کامیزال به امریکا یا مکزیک ، این دو کشور قضیه را در برابر کمیسیون مختلط دآوری مطرح کردند . مستند مکزیک آن بود که تغییرات رودخانه ، که منجر به تشکیل کامیزال شده است ، ناشی از تغییر شکلهای ناگهانی و آنی است و در نتیجه بایستی که مرز در محل قدیم خود باقی میماند . با این طرز تلقی کامیزال در طرف مکزیک قرار میگرفت . اما اتازونی در پاسخ معتقد بود که مرز بایستی همراه مسیر رودخانه حرکت کند ، زیرا تغییرات به نحو تدریجی و مداوم پدید آمده است .

کمیسیون به اتفاق آراء اعلام داشت که : اولاً در خصوص مورد ، مسأله تغییر بستر رودخانه مطرح نیست ، و ثانیاً باید میان دو دوره متفاوت که در طی آنها تغییر شکل در مسیر رودخانه پیش آمده است قائل به تفکیک شد . دوره اول بین ۱۸۵۲ و ۱۸۶۴ است که جایجائی های تدریجی رودخانه - که به موجب ماده اول قرارداد ۱۸۸۴ بایستی مسیر رودخانه را تعقیب کند - موجود هیچگونه تغییری در مرز نشده است . دوره دوم از ۱۸۶۴ تا ۱۹۱۱ است ، که در آن تغییر شکل ناگهانی و مداوم - بی آنکه مسأله مطروحه تغییر بستر رودخانه باشد - پدید آمده است و این تغییر مشمول ماده یک قرارداد ۱۸۸۴ نمیشود ، زیرا این ماده ناظر به پدیده های آرام و تدریجی (رسوب و فرسایش) است . با توجه به خصیصه تغییر شکلهای حادث ، اکثریت اعضاء کمیسیون تصمیم گرفتند که آن قسمت از کامیزال را که میان محل قدیم رودخانه در ۱۸۵۲ و محل جدید آن در ۱۸۶۴ قرارداد به اتازونی بدهند و آنچه را از ۱۸۶۴ به بعد تشکیل شده است به مکزیک واگذارند .

با توجه به اینکه اتازونی در این تقسیم خرد را مغبون می یافت از اجرای رأی سر باز زد و به خصوص مدعی شد که کمیسیون از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است ، زیرا مطابق توافق نامه آنچه از کمیسیون خواسته شده تعیین این امر بوده است که کامیزال باید تحت کدام حاکمیت قرار گیرد ، نه اینکه کمیسیون آن را به دو قسمت تقسیم نماید .

بهرحال ، اختلاف مذکور بصورتی دیگر در سال ۱۹۶۳ حل و فصل شد ، یعنی دو دولت با امضاء یک قرارداد ، ساختن کانالی را به نام کامیزال پیش بینی کردند تا ضمناً رودخانه به موضع قبلی خود بازگردانده شود .

با مبادله یادداشتهای اول نوامبر ۱۹۳۲ میان برزیل و انگلیس ، مسائلی مشابه با آنچه گذشت در مورد مرز بین برزیل و گویان انگلیس حل و فصل گردید و مقرر شد که مرز تغییرات تالوگ را همراهی نماید و اگر رودخانه ناگهان بستر خود را تغییر داد مرز منطبق بر تالوگ جدید باشد . در عین حال عهدنامه به دولتی که بر اثر این تغییر بخشی از سرزمین خود را از دست میدهد ، اجازه داده است ظرف چهار سال ، پس از آگاهی از تغییر بستر ، رودخانه را

به‌بستر سابق بازگرداند. علاوه بر این هرگونه تغییر حاکمیت همراه با پرداخت غرامت به دولتی است که سرزمینش را از دست می‌دهد. در صورت عدم توافق نسبت به میزان غرامت نیز، قضیه نزد دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی مطرح خواهد گردید^{۱۰}.

رودخانه دیگری که تغییر بستر داده است رود «جوبا»، مرز میان متمرقات بریتانیا و ایتالیا در افریقای شرقی است، به موجب پروتکل انگلیس و ایتالیا (مورخ ۲۴ مارس ۱۸۸۱) مرز میان منطقه نفوذ این دو، تالوگ مصب این رود بود. در ۱۹۰۹ تغییر ناگهانی رود را ۱/۵ میل به طرف جنوب جابجا کرد. در اینجا مسأله آن نبود که آیا مرز قدیم همچنان معتبر است یا نه تا در نتیجه ایتالیا از حق دسترسی به رود محروم گردد، زیرا ایتالیا معتقد بود که با تفسیر مناسب و مقتضی پروتکل ۱۸۹۱، مرز باید در جایی قرار گیرد که تالوگ واقع است. در ۱۹۱۱ این مسأله حل گردید و دو دولت به توافق رسیدند که در جابجائی‌های بستر رود، مرز، تالوگ جدید را همراهی کند و بدین ترتیب برای هر یک از دو طرف وجود ساحل رودخانه تضمین شده باشد.

در ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۴ نیز دو دولت عهدنامه‌ای منعقد ساختند که بموجب آن «جوبالان» به ایتالیا منتقل شد و بدین ترتیب «جوبا» موقعیت بین‌المللی خود را از دست داد.

۳ - جزائر موجود در رودخانه‌ها

دیدیم که در قرون وسطی، هنگامی که آب رودخانه‌های مرزی فضای بیطرف تلقی میشد شهریاران در جزائر موجود در این رودخانه‌ها برای امضاء عهدنامه‌ها گرد می‌آمدند. اما در زمان ما مرز بصورت خطی است که پیش از پیش از دقت و صراحت برخوردار است و دو حاکمیت را از یکدیگر مجزا میکند. دولت‌ها نیز پیش از پیش کوشش دارند که در باره جزائر موجود در رودخانه‌ها قواعدی دقیق تنظیم نمایند و محل مرز رودخانه را بالنسبه به این جزائر سامان بخشند.

در اینجا موارد متعدد و حالات مختلفی را میتوان مطرح ساخت: ممکن است که جزائر در این یا آنسوی مرز و حتی روی مرز قرار گیرند. ممکن است جزائر ناپدید شوند و سپس در محلی دیگر پدیدار گردند و یا بزرگ، یا کوچک شوند.

برخی از عهدنامه‌های مربوط به تحدید حدود رودخانه‌های صاحب جزیره پیش از آنکه در باره حاکمیت بر جزائر بحث کنند به تعریف آنها سپردارند. موافقتنامه «لوزو- بریتانیک» (مورخ ۱۹۳۸) که مرز میان تانزانیا و سوزامبیک را در رودخانه «رووما» معین می‌نماید، جزائر را به ترتیب زیر تعریف می‌کند.

۱۰ - نظیر همین راه‌حل در عهدنامه (۸/اوت، ۱۸۴۳) میان بلژیک و هلند در خصوص «سوز» پیش‌بینی شده است.

« در این عهدنامه تنها زمین‌های جزیره تلقی میشوند که وقتی رودخانه در بالاترین مرحله مد میباشد، بیرون از آب قرار میگیرند و دارای پوشش نباتی اند و زمینشان سخت و صخره‌دار است، نه اینکه فقط سکوی ساده‌ای از ماسه و شن باشند که جا به جا میشود. »
این تعریف، بیانگر ضوابطی است که برای تعیین برجستگیهای زمین، به عنوان جزیره، ضرورت دارد، یعنی: بیرون بودن از آب به هنگام بالاترین حالت مد، و نیز ساختمان محکم زمین، که متمایز از سکوهایی شنی و ماسه‌ای است. ماده ۱۰ قرارداد ۱۹۵۸ در مورد دریای سرزمینی و منطقه متصل به آن، و نیز ماده ۱۲۱ (فصل اول) قرارداد ۱۹۸۲ در خصوص حقوق دریا حاوی بعضی از عناصر این تعریف است. دولتهای واجد مرزهای رودخانه‌ای برای تعیین حاکمیت خود بر جزائر موجود در رودخانه‌های مرزی صوربتخلفی را انتخاب کرده‌اند صورت اول، ذکر نام و نشان جزائر متعلق به هر یک از دو دولت ساحل نشین در عهدنامه تحدید حدود است.^{۱۶}

صورت دوم بیانگر این مطلب است که مشخص مرز، چه تالوگ باشد و چه خط وسط‌السیاه، بهر حال جزائری که در این یا آنسوی مرز قرار دارند، متعلق به همان دولتی است که با توجه به موقعیت مرز، جزائر یاد شده در جانب وی واقع می‌شوند. این مفهوم عملی است، اما سئاله حق حاکمیت بر جزائری را که مرز از داخل آنها می‌گذرد، حل و فصل نمی‌نماید.
صورت سوم، تعیین دو خط متمایز است، که یکی مرز بر روی رودخانه را معین میکند و دیگری تکلیف جزائر را تعیین می‌نماید. قرارداد ۱۸۴۰ میان «فرانسه» و «باد» از اینگونه است. در این قرارداد دو خط وجود دارد، یکی خط تالوگ، که به عنوان مرز رودخانه معین شده است و خط دیگر که وظیفه اش «تفکیک حقوق مالکیت بر جزائر و رسوبات را این» می‌باشد. این خط از یک رشته خطوط پیوسته و غیرقابل تغییر تشکیل شده است. عهدنامه سورخ ۱۹۶۱، مربوط به «اوروگوئه»، میان آرژانتین و اوروگوئه همین روش را برای آن بخش از رودخانه بکار برده است که معبر قابل کشتیرانی اش به دو معبر «فیلونا» و «دل‌سایو»

۱۶ - نگاه کنید به اسناد زیر:

.. عهدنامه تحدید حدود میان آرژانتین و پاراگوئه سورخ ۳ فوریه ۱۸۷۵ مربوط به رودخانه «پارنا»:

Parry, vol 150, P. 258

.. موافقت‌نامه «لوزو-پریتانیک» سورخ ۱۹۳۸، مربوط به رود «رووما»:

Société des Nations, Recueil de Traités, vol 185, P. 205.

.. قرارداد بروکسل سورخ ۲۵ مه ۱۸۹۱ بین پرتغال و دولت مستقل کنگو به منظور حل اختلاف

مربوط به مرزهای آنها در کنگوی سفلی:

Martens, 2^e serie, vol 18, P. 30

.. عهدنامه تحدید حدود ۷/آوریل ۱۹۶۱ میان آرژانتین و اوروگوئه مربوط به رودخانه «اوروگوئه».

مجموعه عهدنامه‌های سازمان ملل جلد ۶۳۵، ص ۹۸

این عهدنامه، سیستم مختلطی را پیش بینی کرده است که در صفحات بعد از آن سخن خواهیم گفت.

تفکیک میشود. به موجب عهدنامه در این محل مرز به دو خط تقسیم میشود:

الف - خطی که با محور معبر « فیلومنا » منطبق است (و معبر اصلی کشتیرانی میباشد) ، خط مرزی از نظر گاه تقسیم آبهاست، یعنی آبهایی که در غرب این خط قرار میگیرند ، جزء آرژانتین هستند و آبهای موجود در شرق این خط به اوروگوئه تعلق دارند .

ب - خط دیگر که معبر « دل مدیو » را همراهی می کند، مرزی است که جزائر را تقسیم مینماید ، جزائری که در غرب این خط هستند جزء سرزمین آرژانتین محسوب میشوند و جزائر موجود در شرق خط نیز به اوروگوئه تعلق دارند .

عهدنامه ۱۹۷۳ در باره « ریودولاپاتا » و جبهه دریائی آن ، در مورد جزائر به جزیک مورد به همین طریق عمل کرده است و آن مورد ، جزیره « مارتین گارسیا » است که بالنسبه به مرز در جانب اوروگوئه واقع است ، اما به آرژانتین تعلق دارد .

در مورد حاکمیت بر جزائر ، به هنگام تغییر مسیر رودخانه ، مسأله دیگری نیز مطرح میشود . در واقع بدنبال پدیده های رسوب و فرسایش ، ممکن است جزائری سر بر آورند و برخی دیگر ناپدید شوند و نیز ممکن است جزائری با یکدیگر متحد گردند و یا با ساحل رودخانه یکی شوند و یا برخی از جزائر به دو قسمت تقسیم گردند . وانگهی به هنگام تغییر شکل رودخانه ممکن است که مرز جایجا شود . در اینصورت باید معلوم گردد که حاکمیت بر جزائر چگونه معین میشود .

برخی از عهدنامه های مربوط به تعدید حدود رودخانه ها ، که ناظر به جایجائی مرز رودخانه ای میباشد ، مقرر داشته اند که این جایجائی تأثیری بر حق حاکمیت بر جزائر نخواهد داشت . ۱۷

مسأله مربوط به یکی شدن دو جزیره و یا یکی شدن جزیره با ساحل رودخانه ، به ندرت در قراردادها مورد بررسی قرار گرفته اند .

عهدنامه ۱۹۳۲ میان انگلیس و برزیل در خصوص مرز میان برزیل و گویان فرانسه دارای مقررات مفصلی درباره جزائر موجود بر روی رودخانه هاست .

این عهدنامه ، نخست تالوگ را بعنوان مرز معین بیسازد و سپس میگوید که با تغییر تالوگ ، حاکمیت بر یک جزیره تغییر نخواهد نمود . اما در صورتی که بر اثر افزایش رسوبات جزیره ای که قبلا به دولتی تعلق نداشته است با سرزمین آن دولت یکی شود ، این حاکمیت تغییر می کند . مورد سومی که پیش بینی شده است ، ناظر به اتحاد دو جزیره با یکدیگر است . ۱۸ که در این صورت حاکمیت آن با توجه به محلی که بالنسبه به تالوگ دارد ،

۱۷ - مثلا عهدنامه مربوط به کنگوی سفلی .

۱۸ - این عهدنامه که عهدنامه ای کامل تندی میشود ، مقصود از اتحاد جزیره ای را با جزیره دیگر بیان می کند .

معین میشود . و بالاخره هنگامیکه یک جزیره جدید ، سربرمی آورد ، این جزیره به دولتی تعلق دارد که بالنسبه به تالوگ در جانب آن دولت قرار می گیرد .

عهدنامه ۱۹۲۶ که روابط بین هند و چین فرانسه و سیام را تنظیم نموده است ، مشابه همین مسأله را در مورد رودخانه « مکونگ » حل و فصل کرده و پیش بینی نموده است که با اتصال جزائر به سواحل رودخانه ، مرز تعیینی براساس تالوگ ، علی الاصول همان که هست باقی میماند . با اینهمه کمیسیون عالی دائمی ، مذکور در عهدنامه ، میتواند در موارد مقتضی جابجائی های مطلوب مرزی را پیشنهاد کند .

۴ - پلها و تونلها

غالباً ساحل نشینان رودخانه های مرزی بر بالای رودخانه پل میسازند . باید دید که مرز در کجای این پلها قرار دارد .

در عمل سه راه حل در پیش است : ممکن است مرز روی پل در وسط آن قرار گیرد این راه حل غالباً در قرن نوزدهم انتخاب شده است .

با ظهور مفهوم تالوگ و تعیین آن به عنوان مرز در رودخانه های قابل کشتیرانی ، گهگاه دولتها مرز در روی پلها را با مرزی منطبق نموده اند که تالوگ را همراهی می کند.^{۱۹}

اشکال این راه حل ، عدم ثباتی است که با اصل مفهوم تالوگ همراه است . بعلاوه این سؤال مطرح میشود که در صورت تغییر مرز رودخانه ای یعنی خط وسط المیاه یا تالوگ مرز موجود بر روی پل چه صورتی پیدا می کند ؟ به موجب عهدنامه ها ، علیرغم تغییرات مرز رودخانه ای ، مرز زمینی تغییر ناپذیر باقی خواهد ماند.^{۲۰}

راه حل سوم ، که در عمل مورد قبول دولتهاست ، تبعیت تمامی پل رودخانه مرزی از حاکمیت یکی از دو دولت ساحل رودخانه است . این وضع در عهدنامه ورسای پیش بینی شده و در خصوص پلهای موجود بر روی رودخانه راین بر آلمان مغلوب تحمیل گردیده است.^{۲۱}

مسئله این وضع بهیچوجه تأمین کننده روابط حسن همجواری دو دولت ساحل نشین نمیشود تعیین مرز براساس تالوگ رودخانه نیز ، همانطور که گفتیم ، مسائلی را پیش میآورد . بنابراین به نظر ما بهترین راه حل ، وسط پل است که از تغییرات مرز آبی مستقل است .

در خصوص تونلهائی که ساخته میشود ، همین امر صدق میکند . تعیین وسط تونل بعنوان مرز عملی ترین و منصفانه ترین راه حل برای دو همسایه است .

۱۹ - برای مثال : قرارداد ۱۸۸۴ میان ایتالیایی و مکزیک که قبلاً بدان اشاره شد .

۲۰ - اعلامیه ۱۰/۲۱ ژانویه ۱۸۶۱ مربوط به «حدود حاکمیت بر روی پلهای میان فرانسه و «بادن»

۲۱ - ماده ۶۶ عهدنامه ورسای .

ارزیابی

در مسائل مربوط به وضعیت‌های خاص تعدید حدود رودخانه‌ای، نخست مسائل مربوط به مصب رودخانه‌های مرزی را بررسی کردیم.

دو مورد - رودخانه‌های «سه گویا» و «ریودولا پلاتا» مطالعه شد. خصوصیت این دو مورد و نیز راه‌حلهای تعیین شده، به استخراج قواعد عمومی نمی‌انجامد. زیرا هر رودخانه خود یک مورد خاص است. و بنابراین راه‌حل مسائل مربوط به مصب آن را بایستی در مذاکرات بین دو دولت جستجو کرد. هنگامی که یک رودخانه مرزی در معرض تغییر قرار می‌گیرد، مسائل مهم و عمده‌ای مطرح می‌شود. این تغییرات در مسیر آب یا جابجائی آن و خصوصاً تغییر بستر رودخانه جلوه می‌کند. بطور کلی دکتترین قبول کرده است که تغییرات تدریجی مسیر رودخانه، ناشی از رسوب یا فرسایش، موجب جابجائی مرز باشد و اگر تالوگ جابجا شد مرز بر روی تالوگ جدید قرار گیرد. معذک طرز عمل در این زمینه یکسان نیست و راه‌حلهای انتخابی متفاوتند. پدیده مهمتر جابجائی مسیر - خصوصاً جابجائی بستر - رودخانه است. ممکن است پس از مدتی رودخانه تشکیل دهنده مرز نباشد. در قضیه کامبیزال دو دولت ساحلی در باره توصیف تغییر شکل حاصل در رودخانه «ریوگران» باهم توافق نداشتند، و در نتیجه برای اجرای عهدنامه مربوط به این مسائل اختلاف پیدا کردند. رأی داوری هم که «سیپ را نصف می‌کرد» فائده‌ای نبخشید چون یکی از طرفین از اجرای آن سر باز زد. در واقع پس از مذاکراتی از نوع دیگر، یعنی ساختن یک کانال که جریان آب را به محل اصلی باز می‌گرداند، طرفین موفق به رفع اختلاف شدند.

مسائل مربوط به جزائر موجود در رودخانه‌ها نیز غالباً با مسأله حاکمیت بر این رودخانه‌ها مرتبط است، خصوصاً وقتی که تغییر شکل بر اثر رسوب یا فرسایش، یا جابجائی تالوگ پیش می‌آید. نحوه عمل نشان می‌دهد که دولت‌ها در هر مورد به راه‌حل خاصی رسیده‌اند و مسائل عمومی تعدید حدود نیز به دو صورت حل و فصل گردیده‌اند. یکی صورت اول ذکر نام جزائر متعلق به هر یک از دو دولت «الف» و «ب» است، و صورت دوم متعلق دانستن جزائر این یا آن سوی مرز به دولت‌هایی است که جزائر مذکور با در نظر گرفتن مرز در طرف آنها قرار می‌گیرد.

در مورد تغییر مسیر رودخانه نیز راه‌حلهای گوناگونی برگزیده شده است. این نکات در خصوص تعدید حدود پلها و تونلها نیز صادق است. یعنی راه‌حلهای گوناگون است، لکن بنظر ما وسط پل و تونل که مستقل از مرز بر روی رودخانه است، منصفانه‌ترین مرز زمینی را تشکیل می‌دهند.

حاصل سخن

در پایان این مطالعه شایسته است به این سؤال پاسخ دهیم که قواعد حقوق بین الملل در مورد تحدید حدود رودخانه‌ای کدامند ؟ غالباً دکتیرین تأکید می‌کند که خط مرزی در رودخانه‌های غیر قابل کشتیرانی ، بایستی منطبق بر خط وسط‌المیاء باشد و در رودخانه‌های قابل کشتیرانی مرز، خط تالوگ را همراهی نماید .

پیش از آنکه در باره صحت این تأکید اظهار نظر کنیم باید به دو نکته توجه نمائیم نخست آنکه مطالعه ما در باره طرز عمل قراردادی مربوط به این مسأله ، تام و تمام نیست . در این بحث به تعداد فراوانی از قراردادهای تحدید حدود اشارت نرفته و آنچه یاد شد فقط برای تشخیص و تعیین هر یک از انواع مرزهای مورد مطالعه بوده است .

مطلب دیگر آن است که ما نمی‌توانستیم در باره هر یک از عهدنامه‌هایی که مطرح می‌کنیم این نکته را هم روشن نمائیم که آیا رودخانه مورد بحث کلاً یا جزاً قابل کشتیرانی است . بهر حال مطالعه ما روشن می‌سازد که دولتها همیشه قاعده مربوط به قابلیت یا عدم قابلیت کشتیرانی را مدنظر قرار نداده‌اند . در واقع این مطلب را احراز کردیم که خط تالوگ و یا خط وسط‌المیاء مستقل از قابلیت کشتیرانی رودخانه یا عدم قابلیت آن انتخاب شده است . در برخی موارد نیز کاملاً از خط وسط‌المیاء و تالوگ دور شده و روشهای دیگری را در پیش گرفته‌اند ، تا بتوانند با مشکلات خاص رودخانه مورد نظر مقابله نمایند . در سبیل خطوط متنوع مرزی - مرز در یکی از دو ساحل ، خط وسط‌المیاء ، تالوگ و روشهای دیگر. این مطلب را به کرسی می‌نشانند که در این جا نیز همانند زمینه‌های دیگر تحدید حدود ، خصوصاً حدود دریائی ، مفهوم انصاف مبنای قاعده حقوقی مربوط است . نظر به اینکه مرز در یکی از سواحل موجب میشد که رودخانه کاملاً در حاکمیت یک طرف قرار گیرد ، این وضع جای خود را به خط وسط‌المیاء داد ، و نیز چون خط وسط‌المیاء سبب میشد که یکی از دو ساحل نشین از دسترسی به معبر قابل کشتیرانی محروم بماند ، تالوگ بر آن ترجیح داده شد و تالوگ هم به نوبه خود ، هنگامی که مسائل خاص مطرح شدند ، متروک گردید .

در قلمرو تحدید حدود رودخانه‌ای قاعده حقوقی به اصل تساوی توسل جسته است. تطبیق انصاف بر اساس تساوی دو ساحل نشین در دسترسی به رودخانه امکان پذیر است . اینجا در واقع اصل تساوی با انصاف رابطه مستقیم دارد . اما در قلمرو تحدید فضای دریائی وضع همواره بدین گونه نیست . در موضوع تحدید حدود دریائی ، مستنبط از رویه قضائی بین‌المللی آنستکه بایستی به اصول منصفانه تمسک جست و کلیه اوضاع و احوال شایسته این امر را به حساب آورد . به هر حال اصل تساوی در تحدید حدود دریائی نقشی محدود

دارد ، زیرا محاکم قضائی بین المللی از « بازسازی طبیعت پرهیز دارند »^{۲۲} به عکس هنگام تحدید حدود رودخانه‌ای ، اصل تساوی دو دولت ساحلی جای عمده‌ای را اشغال می‌کند . چون مستقیماً به تحدید حدود منصفانه می‌انجامد . منشاء این امر آن است که وضع جغرافیائی ساحل دو دولتی که یک رودخانه آنها را از هم جدا می‌کند ، حداقل از نظر مسیر عمومی و طول رودخانه سهل و ساده است ، حال آنکه وضع جغرافیائی سواحل دریائی دو دولت غالباً بی‌قاعده و قرار و نامنظم است .

این اندیشه که تساوی ، مبنای تحدید حدود منصفانه رودخانه‌ای است ، در رأی دیوان عالی اتا زونی نسبت به قضیه « نیوجرسی علیه دلاور » آمده است در این رأی تالوگ بعنوان مرز بر روی رودخانه قابل کشتیرانی بین دو دولت فدرال اتا زونی معین شده است . به عبارت دیگر نظر به اینکه تحدید حدود بطور منصفانه تحقق نمی‌یابد مگر آنکه دو دولت ساحل نشین حق دسترسی مساوی به معبر رودخانه قابل کشتیرانی را داشته باشند ، چنانچه موافقت نامه یا سد دیگری مسأله حاکمیت دو دولت را روشن نسازد ، فرمول تالوگ به کار برده میشود . اگر در رودخانه‌ای که قابل کشتیرانی نمی‌باشد بتوان این نتیجه را بوسیله خط وسط‌المیاه بدست آورد ، به این خط تمسک می‌جویند و یا بدلائل دیگر ، که میتوان آنها را اوضاع و احوال خاص نامید - مثلاً بی‌نظم و قرار بودن مسیر رودخانه - روش دیگری برگزیده میشود ، به هر حال در عمل همواره آنچه باید مدنظر باشد ، تحدید حدود منصفانه است . از این رو به جای مطرح کردن بی‌قید و شرط خط وسط‌المیاه برای رودخانه غیر قابل کشتیرانی و تالوگ برای رودخانه قابل کشتیرانی ، به نظر ما میبایست این روشها را فقط وسائل و ابزار فنی تحدید حدود منصفانه رودخانه مابین دو ساحل نشین تلقی کرد . مضافاً اینکه دو روش یاد شده تنها راه حلهای ممکن نمی‌باشند .

به عبارت دیگر ، قاعده حقوق بین المللی ، دوائتهائی را که با مسأله تحدید حدود رودخانه‌ای مواجهند ، مکلف میسازد که برای وصول به توافق در تحدید حدود منصفانه ، به مذاکره بپردازند و در صورتیکه منظور نظرشان رودخانه قابل کشتیرانی است ، خط تالوگ را برگزینند و چنانچه رودخانه قابل کشتیرانی نمی‌باشد خط وسط‌المیاه را انتخاب نمایند و در موارد خاص به روشهای دیگری که موافق وضعیت است ، توسل جویند . نکته

۲۲ - انصاف ضرورتاً مستلزم مفهوم تساوی نیست . در واقع مسأله هرگز بدین صورت مطرح نمیشود که باید طبیعت دیگر باره به تمام و کمال بازسازی گردد . و توصیه انصاف آن نیست که وقتی دولتی به دریا دسترسی ندارد ، بر منطقه‌ای از فلات قاره دست یابد . همچنین نمی‌توان وضعیت دولتی را که دارای سواحل گسترده است با وضعیت دولتی مساوی کرد که سواحل کمتری در اختیار دارد ، نگاه کنید به :
CIJ, Affaires du Plateau Continental de la mer du Nord, arrêt, Recueil, 1969, Paragraph: 91.
محکمه داورى بین فرانسه و انگلیس در مقام تحدید حدود فلات قاره مانش ، در تصمیم ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ خود از اعمال دکترین تساوی دولتها با استناد به رأی بالا ، خودداری کرد . برای متن رأی نگاه

کنید به :

فرجامین آن است که : امروزه رودخانه‌ها از آن قسم سرزهای طبیعی هستند که بیشتر از سرزهای دیگر مورد استفاده‌اند و با اینهمه با مسائلی که بدانها اشارت شد مواجهند. تغییر شکل رودخانه بصورت تغییر مسیر و یا جابه‌جائی بستر، منشاء خاص این مسائل است، به همین جهت هنگامی که رودخانه بعنوان مرز بین دو دولت انتخاب میشود. در عهدنامه باید بطور همزمان سازمانی - مثلاً بصورت کمیسیون تحدید حدود - ایجاد شود و این کمیسیون مسئول امر تحدید مرز باشد و مأموریت بازرسی و کنترل ادواری حالت فیزیکی رودخانه مرزی را بعهده بگیرد. به این ترتیب دو دولت میتوانند پس از تعیین ابتدائی مرز، به پی‌گیری تغییرات بعدی هیأت و حالت رودخانه بپردازند و با شورت در کمیسیون در مقام چاره‌جویی برآیند. همچنین درج شرط سربرط به چگونگی رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء و تفسیر عهدنامه، مسلماً به حل و فصل اختلافاتی کمک خواهد کرد که از رفتار ناآرام رودخانه‌های مرزی نشأت میگیرد.

والسلام

ترجمه و تحریر از : حسین یقظان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی